



## Iran Data Portal

Speaker or Agency: Ezatollah Sahabi

Title: To whom can I speak of my sons' and daughters' agony?

Language: English, Persian

Western Date: 10 April 2010

Persian Date: 21 Farvardin 1389

Source: <http://www.rahesabz.net/story/13465/#When:14:47:52Z>;

<http://khordaad88.com/?p=1533>; <http://www.facebook.com/notes/mir-hossein-mousavi-myr-syn-mwswy/rnjnm-sbydrd-yn-dktrn-w-psrnm-r-bh-j-bbrm-sahabis-letter-to-whom-can-i-speak-of-/382106747605>

Translator: Khordad88, Facebook (Mousavi)

Date Translated: 11 April 2010

---

To whom can I speak of my sons' and daughters' agony?

In the name of God,

To whom can I speak of my sons' and daughters' agony?

Enduring the past nine months and seeing the torment experienced by the sons and daughters of this land has been unbearable for this old man: seeing the nation's potential melt away in the hands of our incapable rulers or seeing the atrocious treatment of righteous and courageous children of this nation in the streets and in prisons. But the pain has gotten worse lately and I don't know how to handle or protest it.

These days, I keep hearing that my dear Bard-al-Sadat Mofidi, Hengameh Shahidi, Shiva Nazarahari, and many others are under intense interrogation and pressure, and constantly insulted so that they would break down and forget about

everything they are fighting for. The situation is so unbearable that some of these ladies have wished for their own death.

Government officials visiting the prisons reported that the verbal abuse is so bad that some prisoners complained more about this than the violent beatings.

I also constantly hear that in recent weeks, Ahmad Zeidabadi, Mansour Esanloo, Masoud Baastani, and others, who are as dear to me as my own sons, and who are clearly imprisoned because of their beliefs and political ideas, are illegally and unethically kept with prisoners who have committed great felonies (some of these felons of course are victims of this unjust system), and are subjected to direct pressure and pain. Some of these men are in danger of seriously and irreversibly damaging their physical and mental health.

It is so sad for me to see political prisoners experience such unjust, cruel, and unethical treatment that can irreversibly damage their health in a regime I helped create. Cruelties such as keeping the political prisoners with murders on death row or insulting women all so that they would break down and admit to uncommitted shameful crimes on national TV. I have been imprisoned and interrogated before and after the Islamic Republic; this situation is much worse than before.

I don't understand why our rulers have completely forgotten about ethics and religion and have resorted to any means in order to protect their short-lived worldly powers. We haven't forgotten the days before the Islamic Revolution when we criticized others by saying: "Ends don't justify the means."

I am a religious person who understands ethics as the main pillar and goal of religion, [and further a person] whose [common] prophet [with all of us] was chosen to his task to raise the standards of ethics. As such I am ashamed to live in times where sons, daughters, men and women of this society are arrested and tortured under the worst physical and psychological pressures and where women are treated with the worst shameful disrespect. All to force them to commit to false confessions and to find them guilty because of the facts they speak and the truth they seek. And all in the name of God and religion.

Alas, “to lie” which in our culture is recognized in our national and religious culture as amongst the worst sins, has now turned to a dominant trend of our times. Our authorities lie with the greatest exaggerations. They seek to stamp their hollow ambitions for our national and international interests in the minds of people of this nation by just repeating them over and over every day and every night. Those people would not be deceived by such trickery and lies, and in seminary schools of Qom religious leaders further unmask the liar. But unfortunately, they are still forcing men and women prisoners to lie, or else they would have to bear more intensified pressures or would be sent into exile. Dear almighty, where do I go to counsel these pains and concerns of mine, who would I go to?

I hope that if there’s anyone left among the authorities in the judiciary or the political establishment who would hear my cries and would change something in the conditions of either the prisoners I named or any of the other nameless prisoners. At least for the sake of God, and their own afterlife, so that families of victims would be saved from this torment that they have bear each day.

Dear God, as you were witness, the promise of the revolution to our nation was the governance of justice, like the justice that first Imam of Shitee, Imam Ali, created where his governance was strict to the people most close to him, and his mercy reached out to those of his enemies most distant from him.

This was the promise. What justice our government does in the name of Ali to the nation today however is going easy on whatever political, financial corruption and any theft and murderer that some people close to the officials commit in the banks, institutions, market, universities or Kahrizak and Evin prisons. They impose their strictness against blindfolded, handcuffed and innocent men and women who demand the goals and wishes of that very revolution [that created this government in the first place]. Oh dear Almighty, O savior of hearts and minds, O guide of night and day, either transform our days, or else give me death.

Ezatollah Sahabi

تظلم و رنجنامه مهندس عزت الله سحابی خطاب به مردم و حکومت ایران  
نمیدانم بر حاکمان ما چه رفته است که برای حفظ قدرت دو روزه دنیا، اینطور قید هرگونه اخلاق و مذهب را  
زده اند

جرس: مهندس عزت الله سحابی، عضو شورای انقلاب، عضو مجلس خبرگان قانون اساسی، رئیس سازمان  
برنامه و بودجه، نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی و از پیش کسوتان مبارزه برای آزادی در ایران، با  
انتشار نامه ای سرگشاده، از ستمی که امروز بر ایران و شهروندان ایرانی می رود، ابراز نگرانی کرد. وی به  
عنوان کسی که فضای زندان را قبل و بعد از انقلاب تحمل کرده، برخوردهای غیراخلاقی با زندانیان را بی سابقه  
دانسته، می گوید من نمیدانم بر حاکمان ما چه رفته است که برای حفظ قدرت دو روزه دنیایی این طور قید  
هرگونه اخلاق و مذهب را زده اند و از هر روش و ابزاری برای ادامه قدرت خود استفاده میکنند. سحابی در  
قسمت دیگری ازین رنج نامه ازینکه دروغ سنت غالب زمانه شده، اظهار تاسف کرده است. متن کامل این نامه به  
شرح زیر است:

به نام خدا

درد این دختران و پسرانم را به کجا ببرم؟

تحمل حوادث و دردهایی که در این نه ماهه بر این سرزمین و فرزندانش رفته است برای من در این سنین آخر  
عمر بسی سخت و ناگوار بوده است. از توان ملی این کشور که به سان قالبی یخ در دست دولتی بی کفایت به  
سرعت در حال ذوب شدن است تا آنچه در خیابانها و زندانها بر فرزندان حقگو و حقتطلب این آب و خاک گذشته  
است. اما در روزهای اخیر شنیده‌هایم غم جانکاه دیگری بر این تن رنجور ریخته است که نمیدانم شکایت این  
درد را به کجا ببرم و چه کاری از دستم ساخته است .

در این روزها مرتب میشنوم که برخی دختران زندانیام همچون خانم بدرالسادات مفیدی، هنگامه شهیدی، شیوا  
نظرآهاری و... را باز زیر فشارهای بازجویی مضاعف و مکرر و برخوردهای مملو از توهین و افترا گرفتارند  
تا روحیهشان را بشکنند و پشت سرشان جهنمی بسازند که دیگر هیچ وقت هوس بازگشت به آن را نکنند. این  
برخوردها تا آن حد بوده است که برخی از این بانوان از خدا طلب مرگ کرده اند.

در گذشته هم حتی برخی هیئتهای رسمی که از زندانها دیدن میکردند مکرر اظهار میداشتند برخی زندانیان از  
توهینها و فحاشیهای تند و رکیک بیشتر از ضرب و شتم شدید در خیابان یا زندان، شکوه و شکایت میکردند .  
هم چنین باز در هفتههای اخیر مکرر میشنوم که فرزندان دیگرم همچون احمد زیدآبادی، منصور اصائلو، مسعود  
باستانی و ... که مسلم است زندانیان عقیدتی، سیاسی و صنفی هستند، برخلاف همه عرفهای اخلاقی و قانونی

مبتنی بر طبقه‌بندی زندانیان به زندانهای دیگری مملو از مجرمانی با جرایم سنگین جنایی (که البته خود قربانیان همین جامعه و همین حاکمیت هستند) تبعید شده اند، دچار چه فشارها و شداید هدایت شده ای هستند و بعضا جان و سلامت جسمی و روحیشان در خطر افتاده است.

برای بنده که فضای بازجویی و زندان در حاکمیت قبل و بعد از انقلاب را تجربه کرده‌ام، انقلابی که به سهم خود نقش ناچیزی در آن داشته‌ام؛ بسیار غمبار است که اذعان کنم برخوردهای غیراخلاقی با زندانیان و تهدید جان و سلامت آنان با تبعیدکردنشان میان برخی متهمان به قتل و آدمکشی و زیر اعدام و یا اعمال فشار و فحاشی به زنان و آوردن فشار بر برخی از آنان برای اعترافات شرم‌آور و نظایر آن در رژیم قبل نیز کم سابقه یا بی سابقه بوده است .

من نمیدانم بر حاکمان ما چه رفته است که برای حفظ قدرت دو روزه دنیایی این طور قید هرگونه اخلاق و مذهب را زده‌اند و از هر روش و ابزاری برای ادامه قدرت خود استفاده میکنند. ما یادمان نرفته است که قبل از انقلاب چه طور دیگران را نقد میکردیم که هدف، وسیله را توجیه نمیکند .

من به عنوان یک فرد مذهبی که اخلاق را ستون فقرات و هدف اصلی مذهب میدانم و پیامبرمان هم برای تعالی اخلاق مبعوث شده است (انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) شرم‌ام می‌آید در زمانهای زندگی میکنم که به نام خدا و دین، دختران و پسران و زنان و مردان این جامعه را به جرم حقوقی و حقخواهی زیر شدیدترین فشارهای جسمی و روحی میگیرند، وقیحانهترین کلمات را برای بانوان به کار میبرند و اعترافات دروغ از آنها میخواهند. و اسفا «دروغ» که در فرهنگ ملی و مذهبی ما بزرگترین گناه است، امروزه به سنت غالب زمانه تبدیل شده، دولتمردان با لاف و گزاف به راحتی به مردم دروغ میگویند و خیالات واهی داخلی و بینالمللیشان را صبح و شب با تکرار و تکرار میخواهند به خورد مردم فهیم این مملکت بدهند. مردمی که دیگر گول این دروغها را نمیخورند (و در قم مراجع مذهبی مردم نیز از چهره‌های دروغپرداز روی برمیگردانند). اما متأسفانه همچنان در زندانها میخواهند زندانیان زن و مرد را به دروغگویی وادارند والا یا تبعید میشوند و یا زیر فشارهای مضاعف میروند. خدایا این دردها را باید به چه کسی گفت و پیش چه کسی برد؟

امیدوارم اگر گوش شنوا و ترس از خدا و آخرت در بین هر یک از مسئولان سیاسی و قضایی هنوز وجود داشته باشد، ناله بنده را بشنوند و تغییری در وضعیت زندانیانی که اسم برده‌ام یا دیگرانی که در همین وضعیت هستند و بنده نمیشناسم، به وجود بیاورند و خانواده‌های زجرکشیده‌شان را از این اضطراب جانکاه نجات دهند .

خدایا تو شاهدهی وعدهای که انقلاب به ملت ما میداد حکومت عدل علیوار بود، حکومتی که سختگیری عدالتش نزدیکترین افراد به علی را هم در برمیگرفت و رحم و مروتاش دورترین و دشمنترین افراد نسبت به او را. در حالی که آنچه حاکمیت ما به نام دین علی انجام میدهد آسان گیری و گذشت از هر فساد و تباهی سیاسی و اقتصادی و قتل و غارتی است که بعضی از خودیها در بانک و شرکت و بازار و یا کوی دانشگاه و زندان اوین و کهریزک انجام میدهند و سختگیری و فشار، آن هم با به کارگیری انواع فشارها علیه زنان و مردان دست بسته

و چشم بسته و بیگناهی است که اهداف و آمل و وعده های همان انقلاب را مطالبه میکنند. ای خدای بزرگ، ای  
تغییر دهنده قلبها و فکرها، یا حال و روز ما را دگرگون کن یا مرگ مرا برسان .  
ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها واجعل لنا من لدنک ولیا واجعل لنا من لدنک نصیرا (نساء، 75)  
عزت الله سبحانه